



الگوی حکمرانی اسلامی (اهداف، مبانی نظری، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، ساختارها)

علی عرفانی‌فر

چکیده

جوامع بشری از دیرباز صحنه تقابل دو جریان ولایت الهی و ولایت طواغیب و شیاطین بوده است. دنیای غرب پس از توسعه و پیشرفت در به خدمت گرفتن طبیعت و دستیابی به تکنولوژی، شیوه رشد و توسعه خود را در قالب آموزه‌ها، مکاتب، نظریه‌ها و مدل‌های مختلف در بازار جویندگان توسعه به معرض فروش گذاشته است. از منظر اسلام ناب نه تنها در سرزمین و دارالاسلام باید قوانین و فرهنگ اسلامی حاکم باشد، بلکه باید این سلطه و تصرف به همه عالم تسری یابد و پرچم «لا اله الا الله» بر سراسر گیتی به اهتزاز درآید. حکومت و حکمروایی در یک نظام اسلامی و بر مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی دارای مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی است که در این تحقیق بر آنیم تا آن را تبیین و توصیف نماییم. براساس مطالعات انجام شده سه مؤلفه در رابطه با حکمرانی وجود دارد که اولین آن، مؤلفه رابطه حکومت و مردم است، هدف آن حداکثرسازی مشارکت مردم و ایجاد شرایط امر به معروف و نهی از منکر است. دومین مؤلفه، مؤلفه نظام اداری و روابط اجزای حکومت می‌باشد که هدف آن افزایش بهره‌وری عقلانیت محور نظام اداری مدیریتی است. در نهایت سومین مؤلفه به رابوط حکومت با سیاست، اقتصاد و فرهنگ معطوف می‌شود. هدف حکمرانی اسلامی در این حوزه، تنظیم روابط حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با یکدیگر، حفظ کلیت و انسجام درونی و توسعه و هم‌افزایی بخش‌های مختلف نظام با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و ملاحظات برنامه‌ها، سیاست و تصمیمات از زوایای مختلف می‌باشد که هر سه مؤلفه به صورت مبسوط بحث و شرح داده خواهد شد.

کلیدواژگان: حکمرانی، اسلامی، مؤلفه و شاخص

Islamic Governance Pattern (Theoretical Foundations, Components, Indicators, Structures)

Human societies have long been the scene of confrontation between the Divine Provinces and the Tawagib and Devils. The Western world, after developing and advancing in the use of nature and the acquisition of technology, has marketed its growth and development in the form of teachings, schools, theories and models in the market for development seekers. The land and dar al-Islam should be governed by Islamic laws and culture, but this domination should extend to all the world and the flag of "there is no god except Allah" be raised all over the world. Governance and rule in an Islamic system and over Muslims in the Islamic lands have some of the features and characteristics that we are trying to explain and describe in this research. According to the studies, there are three components of governance, the first of which is the relationship between government and the people, aiming at maximizing public participation and creating conditions for the well-known and forbidden. The second component is the component of the administrative system and relations of government components. Its purpose is to increase the rational productivity of the administrative bureaucracy. Finally, the third component focuses on the relationship of government to politics, economics and culture. The purpose of Islamic governance in this field is to regulate the relations of different political, economic, cultural spheres, to maintain the internal integrity and development and to integrate the different parts of the system into consideration: capacities and considerations of plans, policies and decisions from different angles. All three components will be discussed in detail

Key Words : Governance, Islam, Component and Indicator

روند فرآیند نابرابری درآمدی، نرخ بالای بیکاری و نبود عدالت اقتصادی در جوامع مختلف و به ویژه در در کشورهای در حال توسعه و نقش ویژه دولت‌ها در رسیدن به توزیع مناسب درآمد و تامین رفاه اجتماعی و با توجه به اینکه توزیع درآمد یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم دولت است و چون غالباً توزیع درآمد از مسائل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد، همین امر موجب شده است تا راه‌حل‌های کوتاه مدت برای رفع این مشکل توصیه شود. در حالی که پدیده نابرابری توزیع درآمد، به خاطر مقاومت نیروهای درونی، پایداری از خود نشان می‌دهد و اجرای سیاست‌های کوتاه مدت، بدون شناخت عوامل تاثیرگذار، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی بدنبال دارد. بنابراین برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد باید عوامل موثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای بهبود درآمد اقدام نمود (خسروآبادی (الف)، ۱۳۹۶: ۱۸۱). برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی - اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌کند. حکمرانی مشتمل بر سازوکار و فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و تشکلات منافع خود را ابراز نموده و حقوق قانونی خود را استفاده نموده تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات را با میانجی‌گری حل می‌نمایند. در تعریف دیگری از یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی خوب را به معنای سازوکارها و فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. همچنین حکمرانی خوب را فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیر رسمی تعریف می‌کنند. بر اساس مطالعات انجام شده در چند دهه گذشته و تجارب کشورهای به اصطلاح در حال توسعه، که با هزینه نابودی آرمان‌های چندین نسل به دست آمده است، مهمترین عامل توسعه و پیشرفت و اولین و پایه‌ای‌ترین نیاز هر کشور، برخورداری از نظام حکمرانی سالم و پویا است. لذا پس از تجربه مدلهای توسعه اقتصاد محور، به توسعه سیاسی رسیده و در نهایت ترکیبی از توسعه سیاسی، اقتصادی و اداری را در قالب مدل «حکمرانی خوب» پیشنهاد داده‌اند. اما این مدل نیز از ضعف‌های فراوانی رنج می‌برد و علاوه بر ضعف‌های درونی با اهداف و موازین اسلامی نیز از منظر مبانی، روشها و راهبردها سازگاری ندارد؛ از اینجا است که تبیین مدل حکمرانی اسلامی ضرورت می‌یابد (خسروآبادی (الف)، ۱۳۹۶: ۲۵). حکومت و حکمروایی در یک نظام اسلامی و بر مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی دارای مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی است که این تحقیق بر آن است تا آن را تبیین و توصیف نماید.

مبانی نظری

حکمرانی خوب

کلمه حکمرانی در لغت نامه دهخدا بدین صورت بیان شده است: عمل و شغل حکمران؛ فرماندهی؛ حکومت. به عبارت دیگر حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور است و به مدیریت رابطه میان حکومت کنندگان و شهروندان اطلاق می‌شود. حکمرانی خوب در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد اما در طول دهه ۱۹۸۰ با مفهومی جدید ظهور کرده است. حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. هر سه آنها برای توسعه انسانی پایدار ضروری هستند. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف میکند که عبارتند از:

۱. شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی ، ۲. شاخص ثبات سیاسی ، ۳. شاخص کارایی و اثربخشی دولت، ۴. شاخص کیفیت قوانین و مقررات ، ۵. شاخص حاکمیت قانون، ۶. شاخص کنترل فساد(سامتی(الف)، ۱۳۹۰: ۲۵).

توضیح اجمالی هر یک از شاخصهای حکمرانی خوب:

۱ - پاسخگویی و حق اظهار نظر: مقصود از این شاخص، میزان مشارکت شهروندان در انتخاب، دولت و نظام سیاسی است این شاخص بیانگر میزان آزادی بیان و آزادی احزاب و تشکل ها و رسانه‌های جمعی است (نادری، ۱۳۹۰: ۶۹).

۲ - ثبات سیاسی و نبود خشونت: این شاخص بیانگر این است که چه میزان احتمال دارد حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت آمیز در معرض بی ثباتی و سرنگونی باشد.

۳- اثربخشی دولت: اثربخشی دولت به معنای میزان کارآمدی دولت در دستیابی به اهداف است.

۴ - حاکمیت قانون: در تعریف سازمان ملل حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که همه افراد و نهادها در برابر قوانین پاسخگو هستند(سامتی(الف)، ۱۳۹۰: ۲۵).

۵- کنترل فساد و کاهش آن: آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سواستفاده و در خدمت منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. براساس این شاخص، هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بهتری از حکمرانی خوب است(ابراهیم زاده(الف)، ۱۳۹۲).

۶ - مشارکت: میزان مشارکت مردم در جامعه یکی از کلیدی ترین پایه های حکمرانی خوب به شمار می رود. مشارکت می تواند (مستقیم و یا غیرمستقیم) از طریق نهادهای قانونی صورت گیرد. البته نمی توان انتظار داشت که در نظام تصمیم گیری هر کشور، تمامی نظرها مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا به آزادی بیان و تنوع دیدگاه ها و سازماندهی هر جامعه مدنی اشاره، دارد (نادری، ۱۳۹۰: ۶۹).

حکمرانی در آموزه های قرآنی معنا و مفهومی فراتر از آن دارد که در علوم سیاسی متعارف از آن بحث می شود. حکمرانی هر چند به معنای فرایند به کارگیری سیاست ها و تصمیم گیری ها از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی است، در مفهوم قرآنی با کاربردهای ویژه ای که برای آن بیان می شود، مفهومی فراتر پیدا می کند که می توان گفت حکمرانی در آموزه های قرآن، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بسترسازی کمال یابی بشر است. از این رو، همه چیز در محور توحید و تکامل انسانی، معنا و مفهوم می یابد.

با عنایت به لزوم حاکمیت ارزشهای الهی در کشورهای اسلامی، لازم است شیوه خاص حکمرانی خدامدار نیز در آنها اجرا شود تا به موفقیت منحصر به فرد خود دست یابند که همان تعالی انسانی است.

از آنجا که اسلام مدعی است برای تمام زندگی بشر برنامه دارد برای نوع حکومت نیز برنامه دارد. با توجه به نقش دین، ایدئولوژی و سنت ها در شکل دهی به بینش عمومی و انگیزه ها و رفتارهای اجتماعی و اقتصادی مردم و دولت ها، اجرای دستورالعمل های نظریه حکمرانی خوب نمیتواند بدون توجه به آموزه ها و سنت ها و نهادهای اسلامی به نتیجه برسد.

حکمرانی خدامدار

با توجه به اهمیتی که حاکمیت و حکمرانی در اسلام دارد، شایسته است تا به بررسی حکمرانی خوب در متون اسلامی پرداخته شود. قرآن کریم بر ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر در آیه ۸۳ سوره نساء تأکید می کند و می فرماید:

وَكُلًّا فَضَّلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

در این آیه در صورتی که مراد از فضل و رحمت رسول خدا و اولوالأمر (حاکمان صالح) باشد، خداوند هدایت بیشتر مردم را در گروی رسالت و حکومت صالح دانسته است. بنابراین برای تأمین هدایت بشر، چاره ای جز حکومت صالح نیست. در اینجا، اصل حکومت برای هدایت، مفروض گرفته شده است و اکثریت اجتماع اگر از رهبری صحیحی محروم بمانند گرفتار پیامد دردناکی خواهند شد (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷).

هدف نهایی، تکامل انسان و سیر الی الله است که استقرار امنیت و حاکمیت قوانین الهی، مقدمه رسیدن به آن به شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳). اجرای اهداف پیامبران، با برقراری حکمرانی تلازم عقلی دارد. در سوره بنی اسرائیل آمده است:

بنی اسرائیل به پیامبر خود گفتند که امیر و حاکمی برای ما انتخاب کن تا تحت تدبیر و مدیریت او فرماندهی جنگ و تنظیم امورمان را به او بسپاریم. این روش بنی اسرائیل بوده است که قوام زندگی خود را به فرماندهی بسپارند و گرد او جمع شوند تا اجرای احکام آنها و مبارزه با دشمنان را انجام دهد (مراغی، ۱۹۸۵). درخواست بنی اسرائیل برای زمامدار در تمامی کارهای زندگی است و تشکیل حکومت نیز لازمه حکمرانی است. از این بیان قرآن، ضرورت تشکیل حکومتی استنباط می‌شود که امور زندگی به آن سپرده می‌شود.

با گذر زمان، فناوری‌ها پیشرفت کرده، تنوع جمعیت و رشد آن بیشتر شده و جامعه به سمت پیچیدگی بیشتر حرکت کرده است. اندیشمندان براین باورند که ما در زمانی زندگی می‌کنیم که سازمان‌ها، ظرفیت مناسب برای تعامل با تکنولوژی و سامانه‌های ارتباطی پیشرفته ندارند. نظریه پردازان مدیریت دولتی دارای دو دیدگاه در نوع اعمال حاکمیت دولت برای اجرای خط مشی‌ها و سیاست‌های کلان هستند. در دیدگاه اول تعدادی از کشورها با نوع حکومت سوسیالیستی و با تکیه بر این نظریه که دولت همه کاره است، یک دولت رفاه برای مردم خود فراهم نموده‌اند و تمام وظایف دو بخش دیگر در اعمال حکمرانی را متوجه خود ساخته و به اعمال حاکمیت فراگیر در کشور می‌پردازد. کشورهای شرق اروپا، آمریکای لاتین و کشورهای اسکاندیناوی از این دیدگاه در اداره کشور استفاده می‌کنند. در دیدگاه دوم عده‌ای از دانشمندان مدیریت دولتی، بار اداره کشور را از دوش دولت برداشته و با عنوان اینکه دولت ناتوان از اجرا و فسادپذیر است حوزه اختیارات بخش‌های غیر دولتی (خصوصی و مردمی) را پیش از پیش گسترش داده و عنان کار را از اختیار دولت خارج می‌کنند. اکثر کشورهای غرب اروپا از این دیدگاه برای اداره کشور خود الهام گرفته‌اند (عقبائی جزئی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). در مفهوم جدید حکمرانی، حکومت تنها یکی از بازیگران چرخه زمامداری و حکمرانی می‌باشد. شرکت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، موسسات تحقیقاتی، رهبران مذهبی، موسسات مالی، احزاب، نهادهای نظامی و امنیتی و... سایر بازیگرانی هستند که در فرایند حکمرانی دخالت دارند. هر چه کثرت و تنوع بازیگران بیشتر باشد، حکمرانی به مراتب پیچیده تر خواهد بود. در سطح فراملی، علاوه بر بازیگران یادشده، قدرت‌های خارجی، رسانه‌های بین‌المللی، گروه‌های فشار بین‌المللی، سرمایه‌گذاران بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی، نهادهای بین‌المللی و فراملیتی را باید به لیست بازیگران و کنش‌گران اضافه نمود.

اهداف حکمرانی اسلامی

آرمان حکمرانی اسلامی، تحقق حیات طیبه در جامعه اسلامی است. تحقق حیات طیبه در گستره اجتماع، زمینه ساز پیمودن مسیر عبودیت و قرب الهی است. تحقق حیات طیبه دارای ابعاد فردی و اجتماعی متناسب با شئون مختلف زندگی است. حیات طیبه در حقیقت، نوعی زندگی اجتماعی متعادل است که با صبغه الهی و پذیرش مبانی دینی و اجرای ارزش های اسلامی در شئون مختلف زندگی آدمی تحقق می یابد. حیات طیبه، شئون و ابعاد گوناگونی دارد که به صورتی منسجم و هماهنگ در تعامل با یکدیگر است. این جامعه، مشخصات جامعه منتظر ظهور را دارد. جامعه ای که عقلانیت، ایمان و عمل صالح در سطح فردی، جمعی و حکومتی در پیوند بایکدیگر سبک زندگی مؤمنانه را ایجاد کرده و رشد و بالندگی دائمی را تضمین می کند. فساد در آن رو به کاهش بوده و ارکان ایمان و تقوی در همه نهادهای جامعه سریان و جریان دارد. حکمرانی اسلامی شیوه و روش اعمال و تنظیم قدرت، سیاستگذاری و اجرای سیاست ها برای تحقق آرمان حیات طیبه از طریق مشارکت، هم افزایی و عملکرد بهینه نظام اسلامی است. اگر نظام اسلامی را دارای سازمان و سیستم بدانیم که سازمان آن ارکان تشکیل دهنده آن باشد، سیستم آن روش و فرایندهای اعمال قدرت و تنظیم روابط بین ارکان این نظام است. در نظام مردم سالاری دینی، ارکان حکمرانی شامل حاکم اسلامی، مردم، قوای اجرایی، تقنینی و قضایی و نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و نظامی و امنیتی است. کارآمدی این نظام وابسته به مشارکت جمعی همه ارکان در قدرت و نقش آفرینی به اقتضای وظایف خود است.

با توجه به مباحث فوق اهداف حکمرانی اسلامی را می توان به اهداف کلان و بخشی تقسیم کرد و در اهداف بخشی، سه حوزه حکومت - مردم - نهادها را می توان مدنظر قرارداد:

اهداف کلان:

زمینه سازی توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان؛ گسترش برخورداری از زندگی با نشاط، ایمن و سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه.

اهداف بخشی:

الف) مولفه رابطه حکومت و مردم:

- حداکثر سازی مشارکت مردم و استفاده از نظرات و آراء و مشاوره های مردم، نهادهای مردمی و نخبگان در حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری.

- ایجاد شرایط امر به معروف و نهی از منکر مردم و نهادهای مردمی در حوزه نظارت و کنترل فعالیت‌ها و عملکرد به منظور ارتقای سطح عملکردی حکومت و کاهش فساد و افزایش اعتماد مردمی و مشروعیت نظام.

ب) مولفه نظام اداری و روابط اجزای حکومت:

- افزایش بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) عقلانیت محور نظام اداری مدیریتی از طریق: شایسته‌سالاری و جابجایی نخبگان بر اساس اخلاق و عقلانیت.
- مشارکت، مشورت و تخصص محوری در سیاست‌گذاری کلان و بخشی.
- نظارت، اصلاح و پالایش درونی و مبارزه با فساد.
- مشتری‌مداری و پاسخگویی نظام اداری.

ج) مولفه روابط حکومت با سیاست/اقتصاد/فرهنگ

تنظیم روابط حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با یکدیگر، حفظ کلیت و انسجام درونی و توسعه و هم‌افزایی بخش‌های مختلف نظام با در نظر گرفتن:

- ظرفیت‌ها و ملاحظات برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات از زوایای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.
- توجه به موقعیت و جایگاه فرهنگ، سیاست و اقتصاد و رعایت جایگاه محوری فرهنگ و تربیت الهی.

- توسعه پایدار، افزایش رضایت مردمی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و هویت دینی - ملی با رعایت ملاحظات.

- طراحی، پالایش و بازآفرینی فرهنگی بر اساس اخلاق و معنویت دینی در حوزه فرهنگی.
- رفاه پایدار و عادلانه با حمایت از سرمایه و کار ایرانی در حوزه اقتصادی.
- روابط بین‌المللی عزت‌مندانه، حکمت‌آمیز و مصلحت‌محور و فعالیت سیاسی آزادانه و امنیت کامل در فضای سیاسی اجتماعی.

اصول و شاخص های حکمرانی اسلامی

الف) مولفه روابط حکومت و مردم؛

(گروه های اجتماعی مردمی، گروه های قدرت، گروه های فشار، احزاب سیاسی و ...)

اهداف: حداکثر سازی مشارکت مردم و استفاده از نظرات و آراء و مشاوره های مردم، نهادهای مردمی و نخبگان در حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری
ایجاد شرایط امر به معروف و نهی از منکر مردم و نهادهای مردمی در حوزه نظارت و کنترل فعالیت ها و عملکرد به منظور ارتقای سطح عملکردی حکومت و کاهش فساد و افزایش اعتماد مردمی و مشروعیت نظام.

اصول راهبردی و عملیاتی:

اصل حاکمیت رابطه رحمانی و خیرخواهی و مهرورزی حکومت نسبت به مردم

اصل رعایت منافع عمومی

اصل رعایت افکار و رضایت عمومی

اصل مشارکت عمومی

اصل اصلاح و نظارت همگانی؛ امر به معروف و نهی از منکر

اصل وفاداری و رابطه مسوولانه مردم نسبت به حکومت

اصل شفافیت، اطلاع رسانی و پاسخگویی

در حکومت اسلامی رابطه مردم با حکومت رابطه ابوت و بنوت (پدر فرزندی) است. حکومت اسلامی باید رفتارش با مردم بر همین اساس باشد، در عین آن که آحاد ملت را فرزند خود می داند و به آنها عشق می ورزد، هیچگاه اجازه ندهد احدی مرتکب خلاف شده از زیر بار تکالیف مقرر که حافظ منافع و مصالح امت اسلامی است شانه خالی نماید. وقتی که زمامدار حکومت اسلامی همانند پدری مهربان بود، و تنها براساس تکلیف الهی و شایستگی ها پستها تقسیم و مسئولیتها پذیرفته شده، و مسئولین صداقت در رفتار و پیشگامی در علم داشتند، و رنج خود و راحت دیگران را طلبیدند، و در میان مردم عدالت و برابری را به دور از هرگونه تبعیض اجراء نمودند و برای مردم شخصیت قائل شدند، و دارای حسن تدبیر و شایستگی در اداره امور بودند و نسبت به مردم خیرخواه و در بالا بردن رشد فکری و فرهنگی و اقتصادی و غیره آنان کوشا بودند، در این صورت ملت نیز باید خیرخواه و مطیع باشد و نسبت به او اعتماد نماید و با او همکاری مخلصانه داشته باشد. این همکاری و اعتماد متقابل را که ناشی از حقوق و تکالیف متقابل است در منابع دینی مورد تأکید قرار گرفته است. نظام اسلامی خود را در برابر خداوند و مردم، مسوول دانسته و مدیران و کارگزاران اسلامی، امین مردم هستند. از این رو برای تامین نظارت مردم بر دولت و همراه ساختن افکار عمومی، شفافیت، فساد و ابهام گریزی، گزارشدهی و پاسخ گویی، یکی از اصول اساسی و ملاک عمل دولت و نهادهای دولتی است؛ به این معنا که نظام اسلامی چیزی

را از مردم پنهان ننماید و در اولین فرصت مسائل و تصمیمات را با مردم در میان بگذارد و همچنین اطلاعاتی که جنبه محرمانه ندارد در اختیار همه بگذارد تا اینگونه نباشد که عده‌ای به واسطه برخورداری از اطلاعات ویژه منفعتی را کسب نمایند که دیگران به دلیل عدم دسترسی به این اطلاعات از آن محروم باشند. نظام اسلامی خود را در برابر خداوند و مردم، مسوول دانسته و مدیران و کارگزاران اسلامی، امین مردم هستند. از این رو برای تامین نظارت مردم بر دولت و همراه ساختن افکار عمومی، شفافیت، فساد و ابهام‌گریزی، گزارشدهی و پاسخ‌گویی، یکی از اصول اساسی و ملاک عمل دولت و نهادهای دولتی است؛ به این معنا که نظام اسلامی چیزی را از مردم پنهان ننماید و در اولین فرصت مسائل و تصمیمات را با مردم در میان بگذارد و همچنین اطلاعاتی که جنبه محرمانه ندارد در اختیار همه بگذارد تا اینگونه نباشد که عده‌ای به واسطه برخورداری از اطلاعات ویژه منفعتی را کسب نمایند که دیگران به دلیل عدم دسترسی به این اطلاعات از آن محروم باشند.

مؤلفه حکمرانی اسلامی و حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

اهداف:

- تنظیم روابط حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با یکدیگر، حفظ کلیت و انسجام درونی و توسعه و هم‌افزایی بخش‌های مختلف نظام با در نظر گرفتن:
- ظرفیت‌ها و ملاحظات برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات از زوایای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و توجه به موقعیت و جایگاه فرهنگ، سیاست و اقتصاد و رعایت جایگاه محوری فرهنگ و تربیت الهی
- توسعه پایدار، افزایش رضایت مردمی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و هویت دینی - ملی با رعایت

ملاحظات

- طراحی، پالایش و بازآفرینی فرهنگی بر اساس اخلاق و معنویت دینی در حوزه فرهنگی
- رفاه پایدار و عادلانه با حمایت از سرمایه و کار ایرانی در حوزه اقتصادی
- روابط بین‌المللی عزت‌مندانه، حکمت‌آمیز و مصلحت‌محور و فعالیت سیاسی آزادانه و امنیت کامل در

فضای سیاسی اجتماعی

اصول راهبردی و عملیاتی:

اصل وحدت، هماهنگی و هم‌افزایی

حوزه سیاست

اصل امنیت ملی

اصل وفای به عهد و پیمان

اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و مقابله عادلانه با تجاوز

اصل رسالت جهانی و حمایت از حق طلبی

اصل نفی سلطه

حوزه اقتصاد

اصل فقرزدایی و توجه به محرومین

اصل تولید گرایی

اصل توسعه گرایی

حوزه فرهنگ

اصل مسوولیت تربیتی و علمی

مسأله وحدت و عدم اختلاف، دو عنصر کلیدی برای سلامت جامعه اند، یعنی جامعه در بسترهای وحدت و امنیت به شکوفایی و رشد دست می یابد و استعدادها و قابلیت ها شکفته می شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) طیبی حاذق در مقوله ی نگرهبانی جامعه و حکمرانی است. جامعه ای که کارشان برادرکشی و تجاوز به حریم یکدیگر است، فضای ناامنی را ایجاد کرده است. علی (ع) هم این وضعیت اختلاف آمیز را به تصویر کشیده است و می فرماید: شما ای و انتم معشر العرب علی شر دین و فی شر دار... و تسفکون دماء کم و تقطعون ارحامکم...» جامعه ی عرب در بدترین دین و در بدترین خانه بودید... خونریزی کرده و قطع رحم می کردید.» این وضعیت، هم تفرقه را سبب می گشت، هم ناامنی را، که قطعاً هر دو مقوله ای کشنده بودند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باید پاسخ گوی چنین وضعیتی باشد. عقد اخوت و برادری میان مسلمانان، و میان اوسیان و خزرجیان، فراموش کردن کینه های کهن، کاری است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام داده است روح پیمان برادری اسلامی، تأمین وحدت اسلامی با پیوند قبیله های مختلف و تأمین صلح، آزادی و امنیت برای همه ی مردم به رغم اختلاف در هر زمینه، حتی در باورهای دینی است اسلام تاکید زیادی بر اصل همزیستی مسالمت آمیز در بین مسلمانان و غیر مسلمانان دارد. گرچه برخی از نویسندگان و متفکران غیر مسلمان بر این عقیده اند که روابط عادی میان مسلمانان و نامسلمانان هرگز مبتنی بر صلح نبوده است و تلاش می کنند وضع آنها را به حالت جنگ دائمی جلوه دهند.

مولفه نظام اداری و روابط اجزای حکومت

اهداف:

افزایش بهره وری (کارایی و اثربخشی) عقلانیت محور نظام اداری مدیریتی از طریق شایسته سالاری و جابجایی نخبگان بر اساس اخلاق و عقلانیت

مشارکت، مشورت و تخصص محوری در سیاست گذاری کلان و بخشی

نظارت، اصلاح و پالایش درونی و مبارزه با فساد

مشتری مداری و پاسخگویی نظام اداری

اصول راهبردی و عملیاتی:

حوزه سیاست گذاری و قانون گذاری

اصل شورا و مشورت

حوزه روابط قوا

اصل وحدت، هماهنگی و هم افزایی

اصل تعدیل قدرت؛ تفکیک وظایف قوا و ارکان نظام و نظارت آنها بر یکدیگر

حوزه نیروی انسانی

اصل رهبری ولی فقیه دین شناس

اصل شایسته سالاری

اصل ذکر؛ رشد و بهسازی

اصل مسوولیت پذیری و خدمتگزاری

حوزه نظارت و کنترل

اصل نظارت آشکار و پنهان

اصل نظارت مردمی

اصل برخورد و واکنش مناسب

حوزه فرهنگ سازمانی

اصل فرهنگ قانون مداری

اصل فرهنگ جهاد و شهادت طلبی

حوزه منابع مالی

اصل بهره وری و سلامت مالی

حوزه فسادزدایی

اصل مبارزه همه جانبه با فساد، در دو بعد نظری و عملی و در ساحت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

اصل سلامت، قاطعیت و استقلال نظام قضائی.

در حکمرانی اسلامی پستها براساس لیاقت و شایستگی تقسیم می شود، از شخص اول حکومت اسلامی که همان امام و ولی امر است تا دیگر مسئولان و کارگردانان حکومت باید شایسته ترین و خدمتگزارترین افراد برای ملت باشند. در اندیشه شیعه، امام و جانشین پیغمبر (ص) که زعامت کشور اسلامی را به عهده دارد. شایسته ترین فرد روی زمین است که از جمیع فضائل در درجه کمال و عصمت برخوردار و از هرگونه رذائل به دور است.

ابعاد حکمرانی خدامدار

با توجه به بررسی های منابع اسلامی و تأمل در آیات و احادیث، مجموعه ای از شاخص های کلیدی مؤثر در اجرای حکمرانی خوب در جوامع اسلامی استخراج شد که هر کدام به تشریح در پی می آید.

۱- خدا محوری: ویژگی اصلی حکومت اسلامی، خدامحوری است. شعار اولیه اسلام، که توسط پیامبر عظیم الشان مطرح شد عبارت است از: "قولوا لا اله الا الله فحلوا" (بگویند نیست خدایی جز خدای یگانه تا رستگار شوید). وقتی انسان یادآور مالکیت حقیقی خدا نسبت به همه چیز شود، هیچ مالکیتی برای او نمی ماند و همه مربوط به خداست و عملش سمت و سوی خدایی می یابد (بمانیان، ۱۳۸۶). خدامحوری، آثاری چون اخلاص در عمل، دوری از گناه و قرب الهی دارد. اگر مدیران و سیاستگذاران جامعه براساس خداباوری حرکت کنند، خداوند محبت آنها را در دل مردم جای می دهد (واثقی، ۱۳۸۰).

۲- صراحت و روشنی در اهداف: از جمله ویژگیهای حکومت اسلامی که آن را از سایر حکومتهای سیاسی متمایز میسازد، اهدافی است که بر اساس آن حکومت شکل می گیرد. هدف اصلی خداوند از آفرینش، دستیابی انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این رو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و دستیابی انسانها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای دستیابی به این هدف فراهم میسازد (جوادی آملی، ۱۳۸۷).

۳- اصل پاسخگویی: اصل مسئولیت پذیری انسان نوعی رفتار اخلاقی است که تعهدآور است؛ تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران به معنای پاسخگویی در برابر و ظایفی است که برعهده دارند و به عنوان اخلاق حرفهای و سازمانی باید به آن توجه جدی کنند. این نوع مسئولیت مبتنی است براینکه: "شما حق دارید و من تکلیف دارم" (آل کجیاف (الف)، ۱۳۹۱: ۳۱) از دید نهج البلاغه، مسئولیت پذیری کارگزاران در ارتباط متقابل، نظاممند و منسجم با مسئولیت پذیری مردم به- عنوان امت اسلامی است که عبارت است از: وفاداری، خیرخواهی و اطاعت از دستور و فرمان حاکم. اساسی ترین نتیجه مسئولیت پذیری زمامداران، پاسخگویی در مقابل مردم و اعتمادآفرینی است که میتواند زمینهساز وظایف مردم در برابر حکومت باشد (ایزدی فرد (الف)، ۱۳۸۹: ۲۰).

۴- عدالت خواهی و عدالت گستری: در اسلام ظلم به دیگران مذموم است و همگان به رعایت حقوق هم و رفتار عادلانه موظفند. امیرالمؤمنین (ع) میفرمایند: به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانها است به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم در پوست جوی که ناروا از مورچهای گیرم، چنین نخواهم کرد (پورطهماسبی (الف)، ۱۳۸۹: ۲۵). حضرت علی (ع) در دستورالعملهای سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت بین مردم تأکید می کردند؛ همان گونه که بخشهایی از عهدنامه مالک اشتر به این موضوع اختصاص یافته است: "مالک، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک سو و خود و نزدیکان از سوی دیگر، مراعات کن" (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

5- کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه: کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه از دیرباز یکی از اصول مدیریتی به شمار می‌رود که نبود یا کمرنگ بودن آن، مدیریت را دچار مشکل می‌کند. اصل کنترل و نظارت با نظام آفرینش هماهنگ است؛ چرا که آفریدگار حکیم، اصل کنترل و نظارت را در مجموعه آفرینش منظور کرده و درباره انسان فرموده‌است: "إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ. فليَنظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ" (طارق/۵-۴). امام علی (ع) هم خود شخصاً بر امور جاری کشور پهناور اسلامی نظارت داشتند و به کارگزاران و مدیران توصیه می‌کردند که بر کارها نظارت مستقیم کنند؛ چنانکه آن حضرت به مالک بن کعب ارجبی، طی حکمی مأموریت داد که با مأموران تحت امر خود، منطقه وسیعی را بازرسی کند (پورطهماسبی (الف)، ۱۳۹۸: ۲۱).

6- کاهش فقر: امام علی (ع)، هم خود یار و مددکار نیازمندان و محرومان بودند و هم افرادی را با این ویژگی پرورش دادند؛ چنانکه خطاب به مالک می‌فرمایند: ای مالک درباره طبقه پایین مردم که چاره‌ای ندارند و در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن. آنچه را خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده است، رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنای مخالص اسلامی هر شهر را در نظر بگیر (نهج البلاغه، نامه ۵۳). از این توصیه‌های علی (ع) به مالک درباره فقرزدایی از جامعه برمی‌آید که حمایت از مستمندان و نیازمندان به عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است که برای تحقق آن باید تلاش کرد؛ زیرا فقر و کمبود اقتصادی، عامل بروز بسیاری از مشکلات از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است (ناظم بکایی، ۱۳۸۲).

7- تأمین آزادی مشروع مردم: برخورداری انسانها از آزادی در حوزه سیاست و اجتماع از دیگر ویژگیهای حکومت علوی است. آن حضرت آزادی و آزادگی را ذاتی انسان میدانست و بر این دیدگاه بود که خداوند انسان را آزاد قرار داده است و اینکه انسانها در زندگی خود آزادند و نباید آنها را به چیزی مجبور ساخت. (نهج البلاغه، خ ۴۳۰/۲۰۸)؛ از اینرو در حاکمیت خویش بر جامعه اسلامی با همه بحرانهای موجود، مردم را به کاری اجبار نمی‌کرد که در آن رغبتی نداشتند؛ زیرا مجبور کردن مردم با هدف اسلام که هدایت، سعادت، تکامل و تعالی افراد بر اساس تمایل و اشتیاق آنان است، ناسازگار است. آن حضرت از اجبار مردم به کارهای عمرانی خودشان نیز پرهیز میکرد و آنها را که از نزد او به سوی معاویه میشتافتند، مانع نمیشد. در حکومت علوی آزادی در داشتن عقیده و آزادی در بیان عقیده محترم بود؛ اما تفتیش عقیده و تحمیل عقیده روا نبود و کسی به دلیل داشتن عقیده‌های مجازات، و یا از بیان آن منع نمیشد (ثواب، ۱۳۹۱).

8. ثبات سیاسی: بی ثباتی سیاسی در کشور، که عواملی چون هرج و مرج، اعتصاب، شورشهای نظامی، کودتاها، جنایات خشونت‌آمیز و قومیت‌گرایی در ایجاد آن مؤثر است، می‌تواند ضمن جلوگیری از توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، موجبات تأثیرگذاری آن بر کشورهای منطقه از طریق مهاجرت، ناامنی مرزها، قاچاق، تشدید اختلافات مرزی فراهم آورد و ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و در مجموع امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد (فراهانی، ۱۳۷۴). در صدر اسلام، اعراب برای کسب منابع و ثروت به جنگ و خونریزی می‌پرداختند و اختلاف قبیله‌ای و نژادی شایع بود. اسلام با نفی تمام تبعیض‌های نژادی، قومی، زبانی و... مسلمانان

را برادر، و تفاوت افراد را در میزان تقوای آنها میدانند. از اینرو پیامبر اکرم با برقراری حکومت اسلامی به مبارزه با این اختلافها پرداخت و ثبات سیاسی را برقرار ساخت (مبارک (الف)، ۱۳۸۹: ۳۰).

۹- اثربخشی و کارایی دولت: در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خطمشیهای عمومی و دولتی، و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاستها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار میگیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خطمشیهای عمومی به دور از جنجالها و خط و ربطهای سیاسی وضع و اجرا شود و تعهد نظام سیاسی در برابر آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰: ۶۹).

۱۰- حاکمیت قانون در اسلام: یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت در سطح جامعه است. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و درباره افراد به این معنا است که هراس و بیمی درباره حقوق و آزادیهای مشروع خود نداشته باشند. پیامبر اکرم (ص) در کنار وظایف خود به رفع اختلاف و دعوای مردم میپرداخت و میان آنها قضاوت میکرد. همچنین حضرت علی (ع) در سال فتح مکه افرادی را به منظور اقامه حدود الهی به مناطق مختلف اعزام میکرد (ثواب، ۱۳۹۱).

۱۱ - اهتمام به علم و پیشرفت علمی: جامعه اسلامی، دانشبنیان است و دانش و لوازمش، لازمه تحقق هدف غایی آفرینش انسان است (اخوان (الف)، ۱۳۹۲: ۹۹). در تبیین اهمیت دانش از دیدگاه قرآن، آیاتی بیان میشود. آغاز سوره علق نشان میدهد رسالت اسلام بر علم بنا شده، و منشأ دانش خداست. دانش باید حفظ شود و قلم و نوشتن، بهترین ابزار ثبت آن است (علق ۱-۵) دانش در کنار ایمان عامل پیشرفت تدریجی است (مجادله ۱۱). برای تبیین اهمیت علم و دانش از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) میتوان به این حدیث اشاره کرد که در زمینه عدم محدودیت مکانی و فرهنگی برای دانش است: "دانش را حتی اگر در چین باشد طلب کنید؛ چرا که طلب علم بر هر مسلمانی واجب است."

۱۲- مشارکت: میزان مشارکت مردم در کارهای جامعه یکی از کلیدیترین پایههای حکمرانی خوب بهشمار میرود. مشارکت میتواند بهصورت مشارکت سیاسی - اجتماعی (آزادی بیان و دیدگاهها و تدوین سیاستهای عدم تمرکز) و مشارکت اقتصادی (وجود فضای امن رقابتی و ارائه تسهیلات مناسب برای سرمایهگذاری بخش خصوصی) باشد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸).

۱۳- مبارزه با فساد: فساد به معنی استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. این شاخص، مفهومهایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایههای خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و... را اندازگیری میکند. در این تعریف هر اندازه ویژگیهای مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در جامعه بیشتر، و فساد، مقررات اضافی و بیثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای رسیدن به توسعه مناسبتر است (نادری، ۱۳۹۰: ۶۹).

۱۴- شفافیت اطلاعاتی: در دین اسلام، صداقت حاکمان اهمیت بسیاری دارد. اگر حکمرانان رفتار فریبکارانه داشته باشند، دروغ و فریب و تزویر بر جامعه حکمفرما میشود. یکی از دلایل فساد سیاسی و نابسامانیهای اجتماعی عدم شفافیت اطلاعاتی و نبود اطلاعات صحیح است. اطلاعات صحیح و درست مانع لغزش افراد جامعه می گردد. در جامعه ای که اطلاعات درست و شفاف جریان داشته باشد، سطح اعتماد افزایش مییابد و روابط اجتماعی سالم برقرار می گردد (امینی، ۱۳۸۷: ۲۰).

۱۵- شایسته سالاری: شایسته سالاری بهره گیری از انرژی خلاق افراد برگزیده است به طوریکه در تمام اجزای آن، مناسبترین افراد هر کدام در جای واقعی خود قرار گیرند. به عقیده امام علی (ع) مسئله توان و شایستگی افراد جزئی از بحث عدالت است و اصل مهمی در اداره جوامع است. ایشان معتقد بود هر پستی به توان، خلاقیت، شایستگی و تخصص خاصی نیاز دارد و اگر رعایت نشود، جامعه مسیر رشد و کمال را نخواهد پیمود (نصراصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

۱۶- دوام و پایداری: جامعه پایدار در پی بقا و بهبود ویژگی های اقتصادی و اجتماعی خود است تا اعضای آن بتوانند سالم، بهره ور و با لذت زندگی کنند. دوام و پایداری جامعه، موجب سازگاری بین دولت و ملت می شود و با توازن بخشی به قدرت دولت، موجب امنیت اقتصادی و اجتماعی و کاهش تنش در جامعه می گردد (طاهری (الف)، ۱۳۹۲: ۱۹۳).

سوالات تحقیق

۱ - چه الگویی به منظور ارزیابی حکمرانی خوب با توجه به منابع دینی مناسب است و این الگو چه عوامل و ابعادی است؟

۲- از نظر اسلام عوامل حکمرانی خوب چگونه با هم در تعامل است ؟

روش پژوهش

روش پژوهش از آنجا می که این پژوهش به بررسی ابعاد، مولفه و شاخص های حکمرانی می پردازد بر حسب هدف، پژوهش بنیادی به شمار می آید.

نتیجه گیری

با توجه به تغییرات روز افزون جامعه بشری و تغییر در انتظارات افراد جامعه به نظر می‌رسد ارائه نسخه واحد الگوی حکمرانی خوب نمی‌تواند برای تمامی کشورها و سازمان‌های آنها پاسخگو باشد و در این میان بهره‌می‌گیری از الگوی بومی تا حد زیادی خلأها را پرمی‌کند. در این مقاله مفاهیم حکمرانی خوب با دیدگاه اسلامی باهم شرح داده شده است. حکمرانی خوب مفهومی است که از تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی محقق می‌شود و با ویژگی‌هایی همچون حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌کنندگی، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد هویت پیدا می‌کند. در حکمرانی خوب، نقش دولت، رهبری جامعه و توانمندسازی دو بخش خصوصی و مدنی می‌باشد و هدف آن است که با تعامل این سه بخش در کنار یکدیگر از تمام ظرفیت‌های کشور و جامعه برای بهبود شرایط استفاده شود. در دین اسلام با استناد به قرآن، سیره و سنت پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) می‌توان به ضرورت وجود حکومت پی برد تا جایی که حضرت علی(ع) وجود حکومت با حاکم ظالم را بهتر از بی‌حکومتی می‌دانند. فلسفه سیاسی اسلام بر این امر نهاده شده است که مردم همواره باید سعی و تلاش خود را انجام دهند تا حکمرانی خوب برپا شود. حکمرانی خوب در اسلام نقش دولت را فراهم آوردن شرایطی می‌داند که تحت آن افراد بتوانند وظایف خود را انجام دهند و به اهدافی که اسلام برای آنها تعیین کرده است پیدا کنند. الگوی حکمرانی خدامدار می‌تواند زمینه را به منظور توسعه جامعه اسلامی ایران و بهبود سطح مدیریتی سازمانهای ایرانی فراهم سازد. این الگو ضمن برخورداری از ساختار سیستمی جامع، جهت‌گیری نوینی در الگوی حکمرانی خوب دارد و باعث تعالی پایدار این الگو خواهد شد.

البته ناگفته نماند آنچه مهم و قابل ذکر است و در متن نیز بخاطر عدم دوری از اصل موضوع، زیاد به آن پرداخت نشد این که تفاوت‌های اساسی میان این دو مفهوم "حکمرانی خوب و حکمرانی خوب اسلامی" وجود دارد. بانی حکمرانی خوب لیبرالیسم، اومانیسیم و کاپیتالیسم است در حالیکه در حکمرانی خوب اسلامی مبنا قرآن و عترت می‌باشند. در حکمرانی خوب نگرش به پدیده‌های هستی تک بعدی (مادی) است در حالیکه در حکمرانی خوب اسلامی این نگرش دو بعدی (مادی و معنوی) است. در حکمرانی خوب، محوریت همه امور انسان است در صورتی که در اسلام محوریت همه بحث‌ها و امور خداوند می‌باشد و مردم باید مطیع امر خداوند باشند و کارها را برای رضای او انجام دهند. در حکمرانی خوب هدف توسعه اقتصادی است و اخلاق جایگاهی ندارد اما در اسلام هدف تعالی انسان است و مادیات تنها به عنوان ابزاری برای این هدف مورد توجه قرار می‌گیرند و مبحث اخلاقیات از تاکیدات و ضروریات آیین اسلام می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳)، قم: دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه (۱۳۸۰)، ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مشهور.
- آل کجیاف، حسین؛ فرج دنیوی، حسن (۱۳۹۱)، حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با تاکید بر پاسخگویی. فصلنامه مطالعات قرآنی. دوره ۳. ش ۱۰: ۳۱ تا ۴۶ .
- ابراهیم زاده، عیسی؛ اسدیان، مرتضی (۱۳۹۲) ، تحلیل و ارزیابی میزان تحقق پذیری حکمرانی خوب شهری در ایران، مجله جغرافیا و آمایش شهری - منطقهای. ش ۶
- امینی، علی اکبر (۱۳۸۷)، چگونه واژگان بازیچه دست سیاست میشوند، مجله علوم سیاسی و روابط بین الملل . ش ۲۵۵ و ۲۵۶ . ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین (۱۳۸۹)، مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر عوامل اخلاقی حرفهای، پژوهشنامه علوی. س اول. ش ۲ : ۲۰-۱ .
- اخوان ، پیمان ؛ خادم الحسینی ، سید پیمان (۱۳۹۲) ، تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام. دوفصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت اسلامی ، س ۲۱. ش ۲: ۹۹ تا ۱۲۶.
- بمائیان، محمدرضا (۱۳۸۶)، بررسی نقش خدامحوری در معماری مسلمانان. نشریه بینالمللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران. ش ۵. ج ۱۸: ۴۴ .
- پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر (۱۳۸۹) ، ویژگیها و وظایف کارگزاران در نهجالبلاغه. پژوهشنامه علوی. س اول. ش ۲: ۲۱ تا ۴۲.
- جاسبی، جواد؛ نفری، ندا (۱۳۸۸)، طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم های باز. فصلنامه علوم مدیریت ایران. ش ۱۶.
- جمعی از مترجمان (۱۳۷۷)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع. ج ۱. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷) ، جامعه در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- زاینده رودی، خسروآبادی، شکیبایی. (۲۰۱۷)، بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به کارگیری پانل داده ها (مطالعه موردی: کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا، پژوهش های رشد و توسعه پایدار (پژوهش های اقتصادی) 52-25, (3) 17, .
- سامتی مرتضی، رنجبر همایون & محسنی فضیلت. تحلیل تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا. (ASEAN) واقب، جهانبخش (۱۳۹۱) ، مبانی و شاخصهای حکومت علوی. پژوهشنامه علوی. س سوم. ش دوم: ۱ تا ۲۵ PDF .

- طاهری عطار، غزاله؛ سعدآبادی، علی اصغر؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۲)، ملت سازی در اندیشه و اخلاق حکمرانی امام خمینی (ره). دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی. س ۲۱. ش ۱: ۱۹۳ تا ۲۱۸.
- عقبائی جزنی، محمد (۱۳۹۶)، اجرای خط مشی عمومی با رویکرد. تهران: انتشارات سخنوران.
- فراهانی، عاطفه (۱۳۸۶)، مطالعات قومی: مفاهیم و نظریه‌ها. پژوهشنامه، ش ۸. فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی. س نهم. س ۳۰.
- مبارک، اصغر؛ آذریوند، زیبا (۱۳۸۸)، نگاهی به شاخصهای حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی.
- مراغی، احمد ابن مصطفی (۱۹۸۵)، تفسیر المراغی. ج ۲. بیروت: دار احیا التراث العربی.
- نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی، س اول. ش اول: ۶۹ تا ۹۳.
- ناظم بکایی، محسن (۱۳۸۲)، فقر از دیدگاه علی(ع). همایش رفتار شناسی علوی در گستره مدیریت. تهران: دانشگاه شاهد.
- نصراصفهانی، مهدی؛ نصراصفهانی، علی (۱۳۸۹)، شایسته سالاری در مدیریت جامعه با تاکید بر اندیشه‌های سیاسی امام علی (ع)، معرفت سیاسی. س دوم. ش دوم: ۱۴۱ تا ۱۶۰.
- واثقی، قاسم (۱۳۸۰)، اخلاق در مدیریت. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

